از دوحه تا کنکون

سوپاچی پانیچ پاکدی

طباطبایی، کیا

موافقتنامه‏های‏ تجاری منطقه‏ای‏ می‏تواند به‏ استقرار و تحکیم‏ سیستم تجارت‏ جهانی کمک‏ نمایند.لکن‏ ماهیت چنین‏ موافقتنامه‏های‏ تبعیض‏آمیز است

سوپاچی پانیچ پاکدی،مدیر سازمان تجارت جهانی،با اشاره به‏ اجلاس نوامبر 2001 دوحه،داز دستور کار تجارت و توسعه و امیدها و نگرانی‏هایش برای اجلاس سپتامبر 2003 در مکزیک می‏گوید.

در مذاکرات تجاری،رعایت ضرب‏الاجل‏های تعیین شده،از عوامل مهم محسوب می‏شوند.این ضرب‏الاجل‏ها در روند مذاکرات،بخش بی‏نهایت مفیدی را تشکیل می‏دهد و دولتها را به‏ انتخاب مصالحه یا مواجهه با بحران مجبور می‏سازد.در بسیاری از مواقع تنها در دقایق پایانی مذاکرات است که در مواضع طرفین‏ تغییرات محسوس بوجود می‏آید و کشورها در مواضع‏شان به یکدیگر نزدیک‏تر می‏شوند.این پدیده ناشی از ترس شکستی است که در ذهن هر مذاکره‏کننده‏ای وجود دارد.عدم دستیابی به اهداف تعیین‏ شده در ضرب‏الاجل‏ها گاهی بر کلیه طرفهای درگیر در روند مذاکرات اثرات منفی به جا می‏گذارد که می‏تواند به روابط بین‏المللی‏ فراتر از مسائل تجاری،صدمه وارد سازد.

انتخاب بین مصالحه و یا مواجهه با بحران،در حال حاضر در مقابل مذاکره‏کنندگان 144 دولت عضو سازمان تجارت جهانی قرار دارد.در اجلاس وزراء در دوحه(قطر-اول نوامبر 2001)توافق شد که یک دور مذاکرات گسترده تحت عنوان Doha Development Agenda(DDA) یا دستور کار پیشرفت دوحه با ضرب‏الاجلی‏ تا اول ژانویه 2005 را شروع نمایند.با توجه به حساسیت سیاسی‏ و پیچیدگی موجود در بسیاری از زمینه‏های مذاکراتی،تاریخ‏ تعیین شده اگر چه آرمانی است لکن قابل دسترسی نیز می‏باشد.

از زمان حاضر تا سال 2005 چندین ضرب‏الاجل میان مدت‏ و کوتاه مدت نیز وجود دارد.احتمال دستیابی به توافقات در این‏ دور از مذاکرات تا زمان تعیین شده،منوط است به توانمندی دولتها در رسیدن به اهداف خود در ضرب‏الاجل‏های مزبور،که خود بخشی از برنامه DDA است.سال 2003 تصویر روشنی از تمایلات‏ دولتها برای نزدیکتر کردن مواضعشان،که در حال حاضر از یکدیگر بسیار فاصله دارند،ارائه خواهد داد.

در خلال ماههای نخست سال 2003،چهار ضرب‏الاجل مهم‏ وجود داشت:

31 مارس برای توافق به روی اصول مشخصی به منظور ادامه مذاکرات کشاورزی

31 مارس برای ارائه پیشنهادات در بخش خدمات

31 می برای توافق جهت آئین‏نامه کاهش تعرفه‏های صنعتی

31 می برای توافق به روی اصلاحاتی در خصوص«حل‏ اختلافات در سازمان تجارت جهانی DSU »

اعضای WTO سپس به هنگام گردهمائی در Cancun (مکزیک) جهت شرکت در پنجمین کنفرانس وزرا(14-10 سپتامبر 2003)، با ضرب‏الاجل‏های مهم دیگری مواجه خواهند شد.در این اجلاس، دولتها در مورد چگونگی انجام مذاکرات بر روی«موضوعات‏ سنگاپور»،از جمله موضوع تجارت و سرمایه‏گذاری،تجارت و رقابت،شفافیت در خریدهای دولتها،و تسهیلات تجاری و یا حتی‏ در مورد عدم انجام مذاکره بر روی این موضوعات،تصمیم خواهند گرفت.

تا این لحظه،دولت‏ها در رسیدن به اهداف میان مدت خود موفق بوده‏اند و پس از نشست دوحه به سرعت در خصوص‏ ساختار مذاکراتی خود به توافق رسیده‏اند،و یک رئیس توانمند برای راهبری مذاکرات متنوع خود انتخاب کرده‏اند،آنها همچنین‏ محل کنفرانس وزرای آتی را تعیین نمودند و مذاکرات سنتی را پیرامون موضوعات محتوایی شروع کردند.

تبادل نظرها در موضوعاتی همانند مقررات WTO ،تجارت و محیط زیست و اصلاحات در DSU پیشرفت خوبی داشته‏اند، لکن دشوارترین نوع مذاکرات هنوز شروع نشده است.

از دید بسیاری از کشورهای عضو،در حال توسعه یا توسعه یافته،کشاورزی به وضوح هسته مرکزی این مذاکرات را تشکیل می‏دهد.انتظارات در یک طرف مذاکره بالا و متقابلا در طرف دیگر در سطح پائینی قرار دارد.

از جایگاه توسعه‏ای،کشاورزی یکی از زمینه‏های مهم مذاکرات‏ است.شکی نیست که کشور توسعه یافته یارانه می‏دهد و موانع‏ وارداتی نیز به برنامه‏های توسعه‏ای در جهان خدشه وارد می‏کند.

این امری ضروری است که دولتها به تعهدات خود در اجلاس‏ وزرا در دوحه،عمل نمایند.عمل به تعهدات،به انعطاف و مشارکت بیشتر از آنچه تا به حال وجود داشته،نیازمند است.

از آنجائیکه بسیاری از کشورها پیشرفت مذاکرات در دیگر عرصه‏ها را منوط به تحرکی در مباحث مربوط به کشاورزی‏ نموده‏اند،عدم توفیق در دستیابی به اصول صریح و روشن برای‏ این مذاکرات،مشکلاتی را نه فقط برای مذاکرات کشاورزی بلکه‏ برای کلیه مذاکرات به وجود خواهد آورد.

مذاکرات مربوط به دسترسی به«غیر بازار (non-marketaccess) »، شتاب گرفته و با سرعت مناسبی ادامه می‏یابد،من با گفته بسیاری‏ از دولتها که این مذاکرات به سطح بالایی از جاه‏طلبی نیازمند است موافقم.

افزایش توان پیشرفت در این مذاکرات برای ما بسیار اساسی‏ است.ما باید اثرات تخریبی افزایش تعرفه بر کشورهای در حال‏ توسعه را مد نظر قرار دهیم.و نگرانی‏های آنان را پیرامون آینده‏ ترجیحات تعرفه‏ای مورد توجه قرار دهیم.

اما این به معنای کاهش موانع تجارت بین کشورهای در حال‏ توسعه نیز خواهد بود.تجارت در کشاورزی و نساجی بین‏ کشورهای در حال توسعه به خاطر وجود این موانع که حتی بیشتر از موانع برای تولیدات مشابه در کشورهای توسعه یافته هستند، طی سالهای طولانی باعث توقف کامل آن گشته است.

از مذاکراتی که تاکنون انجام شده،مباحث مربوط به‏ خدمات موفق‏ترین آنها محسوب می‏گردد.در این زمینه‏ پیشرفت ملموسی حاصل گردیده و کشورهای در حال‏ توسعه،مشارکت کاملی در این مباحث داشته‏اند،آزادسازی‏ اختیاری تجارت در خدمات،توانمندیهای بالقوه عظیمی‏ را برای کشورهای در حال توسعه که نیازمند گسترش زیر ساختارهای ارتباطی و مالی(از عناصر اصلی اقتصادهای‏ مدرن)هستند را بوجود می‏آورد.

لکن به منظور بهره‏جویی از چنین آزادسازی، کشورهای در حال توسعه برای مشارکت کامل در مذاکرات‏ نیاز به کمکهای فنی دارند.اگر چه ما چنین کمکهایی را ارائه می‏نماییم،لیکن کاملا مشخص است که کمکهای‏ بیشتری مورد نیاز خواهد بود.نهایت تلاش برای مشارکت‏ محتوایی در این مذاکرات به نفع تمامی دولت‏های عضو خواهد بود.

ذکر این نکته حائز اهمیت است که مذاکرات در حالی‏ پیشرفته داشته‏اند که DDA یک مجموعه تعهدآور محسوب‏ می‏گردد.این به معنای آن است که هیچ عنصری از یک‏ مجموعه قابل قبول‏ نخواهد بود مگر اینکه‏ تمامی عناصر مورد موافقت قرار گیرند.

می‏بایست‏ اطمینان یابیم که‏ ارتباط بین موضوعات‏ با روشی مثبت و نه‏ منفی برقرار شود.از نظر من،دستیابی به‏ پیشرفت مذاکراتی در خصوص خدمات، پیشرفت در دیگر زمینه‏ها مثل‏ کشاورزی را تسهیل‏ می‏نماید.

«موضوعات‏ سنگاپور»از زمان‏ کنفرانس وزرا سنگاپور در سال‏ 1996 بخشی از دستور کار ما را تشکیل‏ می‏دهد.هر یک از موضوعات چهارگانه،محور مباحث‏ یک گروه کاری بوده که اعضا آن گروه به دقت جزئیات‏ مربوطه را بررسی کرده‏اند.

گروه‏های کاری در اصل به یک روند فراگیری تبدیل‏ شده‏اند که کلیه اعضا از دست‏آوردهای آنها متنفع می‏شوند. هم‏اکنون سوال این است که آیا دولت‏ها قدم بعدی را برای‏ شروع مذاکرات در این زمینه‏ها برخواهند داشت یا نه.

کشورهای عضو در این خصوص اختلاف نظر دارند زیرا بیانیه نشست وزرا در دوحه اعلام می‏دارد که:

«مذاکرات پس از نشست پنجم کنفرانس وزرا و بر اساس‏ تصمیمی که با اجماع در خصوص چگونگی انجام‏ در اجلاس مکزیک‏ دولتها در مورد چگونگی‏ انجام مذاکرات‏ بر روی«موضوعات سنگاپور» از جمله موضوع‏ تجارت و سرمایه‏گذاری‏ تجارت و رقابت،شفافیت در خریدهای دولت‏ها و تسهیلات تجاری‏ و یا حتی در مورد عدم انجام مذاکره بر روی‏ این موضوعات‏ تصمیم خواهند گرفت

از دید بسیاری از کشورهای عضو چه کشورهای توسعه یافته‏ و چه کشورهای در حال توسعه‏ کشاورزی‏ به وضوح هسته مرکزی‏ این مذاکرات را تشکیل می‏دهد

مذاکرات گرفته خواهد شد،انجام می‏شود».

روشن است که چنین اختلافاتی می‏بایست بر طرف‏ شود.همچنین واضح است که اگر قرار باشد در این مذاکرات‏ پیشرفتی حاصل شود،کمکهای فنی می‏بایست مستمرا به‏ کشورهای در حال توسعه ارائه گردد.

نکته غیر قابل تردید دیگر آن است که پیشرفت در این‏ زمینه‏ها به پیشرفت در دیگر وجوه DDA ارتباط نزدیک دارد. اگر در کلیه زمینه‏ها حرکت جمعی رو به جلو مشاهده نشود، به احتمال زیاد در همه زمینه‏ها با توقف پیشرفت مواجه‏ خواهیم شد.

عامل دیگری نیز وجود دارد که نیازمند بررسی است:تعدد موافقتنامه‏های تجاری منطقه‏ای و اثرات آنان بر سیستم‏ جهانی تجارت.بیش از 250 موافقتنامه تجاری منطقه‏ای به‏ اطلاع سازمان تجارت جهانی و سلف آن«موافقتنامه عمومی‏ تعرفه و تجارت (GATT) »رسیده است.از این تعداد 129 موافقتنامه پس از ژانویه 1995 و بیش از 170 موافقتنامه در حال‏ حاضر اجرایی شده‏اند.موافقتنامه‏های تجاری منطقه‏ای‏ می‏تواند به استقرار و تحکیم سیستم تجارت جهانی کمک‏ نمایند.لکن ماهیت چنین‏ موافقتنامه‏های تبعیض‏آمیز است. چنانچه اختلافات موجود در این موافقتنامه‏ها کاهش‏ چشمگیری نیابد،منافع و عواید حاصل از آنان ناچیز خواهد بود.

مضافا اینکه رشد سریع در ظهور این نوع موافقتنامه‏ها می‏تواند برای روند چند جانبه‏گرایی‏ تهدیدکننده باشد؛مگر آنکه مقررات‏ WTO تقویت شود.اگر اهمیت‏ جایگاه سیستم جهانی حفظ نشود،بیشترین تاثیرات منفی آن بر کشورهای کوچکتر و ضعیف‏تر اعمال خواهد شد.

آنان نه تنها منابع لازم برای‏ انجام همزمان مجموعه‏ای از چند نوع مذاکره را ندارند،بلکه از بازوی اقتصادی قوی برای مذاکره‏ از موضع قدرت نیز بهره‏مند نیستند. از کشورهایی که مذاکرات‏ منطقه‏ای را در دست دارند،مصرانه‏ می‏خواهم که تمرکز خود را بر روی مذاکرات دور دوحه از دست ندهند.کشورهای عضو،به عنوان بخشی از مجموعه دوحه،در پی تقویت مقررات هستند و مباحث‏ مزبور در حد قابل قبولی پیشرفت داشته است.ولی به تلاش‏ بیشتری نیازمند است.

در حالی که به سمت اجلاس Cancun در حرکت هستیم، می‏بایست این اصل کلی را بخاطر بسپاریم که همگی نیازمند پیشرفت در تمامی زمینه‏ها هستیم تا هیچکس احساس فشار بیش از حد در هیچیک از زمینه‏ها ننماید.

پیشرفت مذاکرات در کلیه زمینه‏ها از طریق کمیته مذاکرات‏ تجاری می‏بایست بطور ثابت مورد بررسی قرار گیرد.این امر به‏ معنای رعایت تمامی ضرب‏الاجل‏ها هم است.